



محمد داؤد خان شهید: بانی دوره دوم نهضت زنان افغان نگاهی به تحول بزرگ رفع حجاب "روی لچی" (به مناسبت روز بین المللی زن)

مفهوم اصلی "رفع حجاب":

از نظر لغوی به معنی روپوش رو بند و پرده چادر آمده است و ستر پرده پوش ساختن را بطور عموم افاده میکند (ستر عورت یعنی پوشش شرمگاه) درک این مفاهیم در رابطه با مسائل شرعی اغلباً ذهنیت عامه را دچار اشتباه و سوتفاهم ساخته است طوریکه بسیاری از مردم فکر میکنند که حجاب یعنی پوشانیدن تمام بدن برای زنان یک امر قطعی شرعی است و بنأ هر وقتی از رفع حجاب سخن در میان می آید مردم آنرا یک عمل غیر شرعی و غیر اسلامی خوانده و در برابر آن عکس العمل نشان میدهند.

به اساس فتوای کمیته فقهی کنفرانس کشورهای اسلامی: حجاب زن در نزد جمهور علما ستر تمام بدن است به جز از رو و کفان دست اگر ترس از فتنه نباشد و اما اگر ترس و خوف فتنه باشد، در آن صورت واجب است تا ستر کامل شود. در قرآن مجید در سوره نور آمده است: «و ظاهر نسازید آرایش خود را، الا آنچه ظاهر است از آن مواضع» (سوره نور، آیه 31، تفسیر کابلی، ترجمه شاه ولی الله دهلوی)

استاد عبدالله سمندر غوریانی یکی از محققین افغان در امور اسلامی در این رابطه تحلیل دلچسپی دارد که بعضی قسمت های مهم آنرا در اینجا اقتباس میداریم موصوف می نویسد: «همانطوریکه در متن فتوا آمده و در قرآن کریم نیز میخوانیم که «الا آنچه ظاهر است از آن مواضع» نزد جمهور علما به استثنای حضرت عبدالله بن مسعود به هر دو دست و روی اطلاق میگردد، (یعنی) که تمام بدن زن عورت است، مگر روی او و دستهایش، که در تحت حکم ستر و حجاب نمی آید». غوریانی در مورد ستر کامل در موقع خوف فتنه می افزاید: «خداوند متعال از همه دانایتر است و فتنه های آخر زمان و بعد آخر زمان را میداند و از ظهور فتنه ها هم آگاه است، وقتی حکم حجاب را صادر میکند، بنأ به فهم جمهور علما، حکم ستر روی و دست را مستثنی قرار میدهد. (ولی وقتی) نوبت به کمیته فقهی میرسد، در این حکم استثنا و در اینجا آنچه را که خدا به آن حکم نکرده است، حکم میکند». او در ادامه تصریح میکند که: «آیه فوق در سوره نور وقتی نازل شد که فتنه در میان بود و در همچو حالت خدای بزرگ پوشانیدن رو و کفان دستها را برای زنان استثنا قرار داد»، چنانکه می نویسد: «در آیه کریمه فوق این استثنا در سوره نور در زمانی نازل شده که برای بی بی عایشه حکایتی پیش آمده بود که در همین سوره از آن افک و بهتان یاد شده و کار تا بدانجا کشید که حتی بعضی از صحابه های جلیل القدر در مورد این فتنه زبان گشودند، که اگر وحی الهی برای خنثی نمودن این فتنه نازل نشده بود، خدا میدانست که گفتگو درباره آن تا چه وقت ادامه می یافت. در چنین جوی که فتنه بالا گرفته بود، سوره نور با همان استثنا نازل شد که دست ها و روی از ستر مستثنی بودند». (جریده امید مورخ 28 اکتوبر 2002 شماره 549)

رفع حجاب "روی لچی": یک اقدام بزرگ:

از نظر تاریخی بزعم فتوای فوق الذکر هنگام ورود انگلیسها در شهر کابل خاصاً در جریان جنگ اول افغان و انگلیس، پوشیدن چادری و دولاق به حیث ستر کامل بر زنان شهر الزامی شد و این حالت خاص با وجودیکه در طول سالهای بعد فتنه رفع گردید، باز هم به حیث یک اصل شرعی مدام الاعتبار پابرجا ماند و تخطی از آن برای زن شهری یک امر غیر شرعی پنداشته شد. با همین روحیه وقتی شاه امان الله (دوره اول نهضت زنان افغان) رفع حجاب یعنی "روی لچی" را در 1927 بطور اختیاری اعلام کرد، حلقات مذهبی آنرا یک عمل غیر شرعی دانسته آنرا توأم با دیگر عوامل بر علیه شاه وسیله تبلیغ قرار دادند، تا آنکه کار به سقوط آن دوره کشید.

عکس العمل های جدی حلقه های روحانی - مذهبی موجب شد تا رژیم های بعدی سیاست بسیار محافظه کارانه و با تأنی را در مورد پیش گیرند و جرأت به رفع حجاب نکنند. تا بالاخره پس از گذشت سه دهه شرایط در کشور طوری تغییر کرد که تأی مزید در رفع حجاب یک توقف در پیشرفت و ترقی را معنی میداد. همان بود که شاه و صدراعظم وقت با تفاهم قبلی تصمیم گرفتند بدون صدور فرمان و ایجاد سروصدا در مطبوعات بطور عاملانه این اقدام حساس ولی با اهمیت را در نخستین روزهای سالگرد جشن استقلال کشور بتاريخ دوم سنبله 1338 (مطابق 24 اگست 1959) در کابل به منصفه اجرا گذارند.

جنرال محمد نذیر کبیر سراج در کتاب "رویدادهای نیمه اخیر سده بیست در افغانستان" در مورد مقدمات این تحول مینگارد که در سال 1959 داود خان وقتاً فوقتاً مسئله آزادی نسوان را در مجالس جنرالان اردو بالا میکرد و نظریه میخواست. بعضی ها برله و بعضی ها بر علیه آن رأی میدادند و عده ای هم میگفتند که هنوز هم وقت است. در یکی از مجالس او (داود خان) نظر خود را چنین واضح ساخت (وگفت): «اردو بقدر کافی تقویه شده است، ما باید هر نوع اصلاحات را به پشتیبانی اردو از پیش ببریم. اگر اردو امروز نتواند نسوان را از قید چادری آزاد سازد، به چه درد خواهد خورد؟» جنرال سراج علاوه کرد که: «همه دانستند که رفع حجاب بزودی صورت خواهد گرفت و انتظار صدور کدام فرمان و یا امر دولت را می کشیدند که بغتاً در روز دوم جشن استقلال همین سال محمد داود خان همراه با خانمش که بدون چادری بود، به نمایش رسم گذشت ورزشکاران در استدیوم ورزشی حاضر شدند و فردای آن خانم های مامورین دولت طلبات مکاتب که آماده این کار بودند به جشن اشتراک کردند. عکس العمل جزئی در قندهار بروز نمود اما کدام مخالفت جدی صورت نگرفت». (کبیر سراج، محمد نذیر: رویدادهای نیمه اخیر سده بیست در افغانستان، چاپ اول، فرانکفورت، 1997، صفحه 49 و 50)

عبدالحمید مبارز نویسنده کتاب "تحلیل واقعات سیاسی افغانستان" درباره چشمدید خود چنین می نویسد: «در روز دوم جشن استقلال سال 1959 مسابقه فوتبال بین تیم ملی افغانستان و هند بود که من با داور مسابقه همکار بودم، در پایان مسابقه با ورزشکاران در لوز سلطنتی بحضور شاه رفتیم، آن وقت دیدم خانمی از لوز سلطنتی خارج شد، این خانم زینب خانم سردار محمد داود بود. بناً اولین خانمی که این نهضت را (البته بعد از ملکه ثریا در سال 1307) آغاز کرد، وی بود». (مبارز، عبدالحمید: تحلیل واقعات سیاسی افغانستان 1919 - 1996، چاپ اول، پشاور، صفحه 206)

قابل تذکر است که سه خانم افغان چند هفته قبل از رسمیت رفع حجاب "روی لچی" در ارتباط با ضرورت وظیفوی چادری را از سر خود دور کردند که ایشان را میتوان اولین گروه زنان این دوره نامید که همچو تحول بزرگ را با شهامت کامل در پیش گرفتند. آنها عبارت بودند از سه خانم مهماندار (ستپوردس) شرکت هوایی آریانا هریک: ناجیه ولی، زانده عطا و فاضله عطائی (رحیمی، فهیمه: زنان در افغانستان، چاپ اول، جرمنی، 1986، صفحه 74)

خاطره ها : یک روز فراموش ناشدنی:

نورسلطان عباسی همسر یکی از جنرالان ارشد اردو وداع از چادری یعنی رفیق دیرینه خود را با یک احساس خاص در آنروز چنین بیان میدارد: «مردم افغانستان همه ساله روزهای جشن استقلال را با شادی و شغف فراوان استقبال و تجلیل میکردند، اما جشن امسال (1959) از سالهای گذشته یک فرق کلی داشت، زیرا می گفتند در جشن استقلال زنها هم می توانند اشتراک کنند. شوهرم که صاحب منصب اردو بود، چند روز پیش بمن گفته بود اگر آرزو داشته باشم، میتوانم در جشن امسال و در مراسم رسم گذشت بدون چادری اشتراک کنم. این گفته را جدی نگرفتم (ولی یک شب قبل از شوهرم پرسیدم) که آیا در گفته اش راجع به رفتن به مراسم رسم گذشت و نپوشیدن چادری جدی است، در جوابم با صدای رسا و مطمئن گفت: بلی اگر خودت آرزو داری؟ ... سالها مردها به تماشای رسم گذشت میرفتند و در بازگشت از آن توصیف ها میکردند و زنها به حرمان و نا امید به گفته های آنها گوش میدادند، لکن امسال امکان آن میسر شده که زنها هم در این مراسم اشتراک و همه چیز را بچشم و سر مشاهده کنند. اما یکبار بیادم آمد که بدون چادری بروم، لوزه خاص بر وجود مستولی شد، آخر من همواره با چادری بوده و هیچگاه بدون چادری از منزل بیرون نرفته بودم. یادم آمد که دختر خورد سالی بیش نبودم که پدرم آمرانه بمن گفت بعد از این وقتی از منزل بیرون میروی، چادری بسر کن! از آن وقت که سالها میگردد و صاحب همسر و اولادها هستم، با چادری بودم نمیدانستم بر آمدن بدون چادری چگونه خواهد بود؟ آنچه مرا قوت قلب میداد این بود که فردا تنها نخواهم بود و یکعده خواهران دیگر نیز بامن خواهند بود. فردا با این

د پانوی شمیره: له 2 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپیکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

خیال از خانه خارج شدم، همینکه قدم به دهلیز گذاشتم، چشمم به چادری ام افتاد که در گوشه ای آویزان بود، چشمک های آن از دور بسویم چشمک میزدند، لحظه ای در مقابل آن مکث کردم بعد ناخود آگاه سرم را تکان داده از مقابل آن دور شدم. چادری برای من عادت ناخواسته بود که باید ترکش میکردم». (رساله قلمی "زنان در زمان"، مرتب: وسیمه عباسی صفحه 28 و 29)

زنان کابل از این تحول بزرگ استقلال شایان کردند و در همان شبهای اول جشن آنها با فامیلهها وشوهران خود به تعداد غیر قابل باور به کمپ ها آمدند و فضای زندگی چنان تغییر فاحش کرد که گوئی شهر کابل دیگر آن شهر نبوده ومردم آن دیگر آن مردم چند شب قبل نبودند. از سیمای اغلب زنان در آن شب حُجب نمایان میشد و اما دختران جوان چنان مست وسرشار از این تحول بودند که گوئی آنها به یک سیاره دیگر قدم گذاشته اند. آنچه زنان ودختران را یکسان جلوه میداد، همانا لباس شان بود که همه ملبس با بالاپوشهای دراز ونیز چادر یا دستمال بسر داشتند و از آرایش چندان خبری نبود، همه ساده و حاکم بر رفتار خود وبصورت گروهی با فامیلهای خود حرکت میکردند.

درارتباط با این تحول ذکر دوخاطره بسیار دلچسب است که هر دو در یک محل اما در دو زمان متفاوت رخ داده است، یکی قوت عنعنه را بیان میکند. (خاطره لیلی رشتیا) و دیگری از گسسته شدن آن حکایت دارد (خاطره صالحه اعتمادی):

لیلی رشتیا هنگامیکه در صنف ششم مکتب ملالی بود(1946) در خاطرات خود می نویسد: «یک روز صبح وقتی داخل مکتب می شدم، دیدم که معاون مکتب مرحوم ملاباقی خان در حالیکه یک چوب نازک بدستش بود، چون یک شیف آرکستر شاگردان را که در حال ورود به مکتب بودند، بدوست مخالف رهنمائی میکرد: آنهائیکه به نظرش بالغ نشده بودند بداخل سرای مکتب میرفتند و آنهائیکه به نظرش بالغ می نمودند و لو که مانند من بالغ نمی بودند، اجازه داخل شدن به مکتب را بدون چادری نمی دادند، آنها باید سرراست بخانه میرفتند و چادری کرده و دوباره به مکتب می آمدند. بگمانم در صنف ششم بودم و بیش از یازده سال نداشتم اما نسبت به سن خود کلانتر معلوم می شدم. معاون مرا نگذاشت به محوطه مکتب داخل شوم. از این تصمیم خوش شدم و دویده دویده بخانه آمدم و خبرخوش را بمادرم دادم، اما مادرم برخلاف متأثر شد وگفت که من هنوز طفل هستم واین ظلم است که چادری بپوشم... فردای آنروز درحالیکه از خوشی درپیراهن نمی گنجیدم، چادری پوشیده داخل مکتب شدم». (گروس، نسرين ابوبکر: قصاریخ ملالی یا خاطرات اولین لیسه دختران افغانستان، چاپ اول، ویرجینیا، امریکا، 1998، صفحه 119)

صالحه فاروق اعتمادی (معاونه لیسه) درسال 1959 در روزهای بعد از رخصتی جشن که دختران مکتب باید روی لچ می شدند، پروگرام برداشتن چادری را چنین بیان میکند: «هدایت داده شده بود که روز ده نفر بدون چادری برآیند. ما جرأت کردیم و آنرا در ظرف سه روز به دوصد و بیشتر از آن رسانیدیم، اما با رعایت وقفه و نوبت تا درروی سرک تعداد زیاد (دختران روی لچ) به چشم نخورند، وقت رخصتی خودم شخصاً به صنف می نشستم و به نوبت شاگردان را اجازه برآمدن میدادم. همه چیز به خوبی انجام پذیرفت. شاگردان بسیار خوش بودند، اما برای بعضی ها فامیل شان اجازه نمیدادند، تا اینکه پروبلم نیز با مذاکره حل شد. برای ما که درراه نهضت زن و رفع حجاب تپ و تلاش زیاد کرده بودیم، حادثه بزرگی بود واز خوشی در جامه نمی گنجیدم». (گروس، نسرين "قصاریخ ملالی...، صفحه 164)

عکس العمل ها :

تجربه تلخ عصر امانی در رفع حجاب یعنی روی لچی مایه ترس و واهمه رژیم های بعدی در اجرای این تحول بود. اما در وقت مساعد و موجودیت شرایط لازم، نه تنها عکس العمل ها جدی نبود، بلکه استقبال مردم از این تحول عمده به سرعت و بدون مشکل در شهرهای دیگر افغانستان پیچید و راه خود را در محافل رسمی و فرهنگی کشور بخصوص در مکاتب نسوان باز کرد. یگانه محلی که بعد از سه ماه در آن یک مقاومت نسبی به ظهور پیوست، درشهر قندهار بود که یک تعداد مردم به رهبری مولوی عبدالصمد اخندزاده به رسم اعتراض در برابر این تحول دست به مظاهره زدند. حکومت نمی خواست دراین مورد تساهل کند و از قبل آماده سرکوبی هر قیام در زمینه بود، از آنرو در برابر این حرکت درقندهار از شدت عمل کار گرفته شد تا درسی برای احتمالات بعدی باشد. جنرال خان محمد قوماندان قول اردو قندهار با ستفاده از قوای نظامی این مظاهره را با شدت بیش از حد سرکوب کرد. درمورد تعداد تلفات جانی ناشی از این حادثه

د پانوی شمیره: له 3 تر7

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولۍ

ارقام متفاوت داده شده که هیچ کدام وجه رسمی ندارد. بعضی ها تلفات را بالغ بر صدها و حتی "هزارها" تن گفته اند که شایان حقیقت نیست. لکن یک عده در این جدال زندانی شدند و به دوره های مختلف حبس محکوم گردیدند.

از جمله کسانی که این تحول مهم را از زاویه دیگر می بیند، یکی هم داکتر نصیر حقشناس است و از بیان او چنین برمی آید که او با حمایت از مظاهره کنندگان، خودش نیز در برابر "روی لچی" موقف مخالف میگیرد و چنین می نویسد: «در سال (1338) محمد داؤد فرمانی صادر نمود [؟] تا تمام زنان و دختران مکاتب و ادارات دولتی پرده از چهره برافکنند و از هر نوع روپوشی خودداری کنند، البته در ابتدا شرایطی را به همراه داشت و باید هر دختر و خانمی لباسهای خود را بر اساس مدلها و نمونه هایی که پیشبینی شده بود [؟] عیار میکردند. ولی دیری نگذشت که کار به دعوتها و شت نشینی ها کشید و بی حیائی عام گشت [؟] و آن همه شرایط و نمونه های لباس جای خود را به تقلید از دیگران گذاشت. اغلب والیها و حکام به اجبار و اکراه مردم را وامی داشتند تا در محافل شبانه [؟] که برپا می داشتند، باخانم ها اشتراک کنند. همین عمل باعث شد که مردم شجاع و با ایمان قندهار در برابر والی و فرمان محمد داؤد و بی حیائی قیام کنند و مخالفت خود را علیه آنچه که او میخواست، آشکارا بیان نمایند که در نتیجه در برابر این اعتراض و مخالفت ها تانکهای محمد داؤد به غرش درآمد و هزاران هموطن ما جام شهادت نوشید». (حقشناس، داکتر نصیر احمد: "دسایس و جنایات روس در افغانستان از امیر دوست محمد خان تا ببرک"، انتشارات کمیته فرهنگی دفتر مرکزی جمعیت اسلامی افغانستان، چاپ اول، تهران، صفحه 123)

توضیحات فوق دکتر حقشناس از نقاط نظر مختلف سؤال برانگیز است. این قضاوت حتماً به اصطلاح عوام به "نرخ روز" صورت گرفته، زیرا کتاب فوق در سالهای جهاد نوشته شده و مؤلف نیز به حیث یکی از منسوبین "حزب جمعیت اسلامی" در این اثر ناگزیر بوده به تاسی از موقف سیاسی آن حزب که علیه محمد داؤد خان بیان میکردند، ابراز نظر کند. احتمالاً امروز که اوضاع تغییر کرده است، داکتر حقشناس عین نظر را نخواهند داشت.

بهر صورت در رابطه با این عکس العمل آنچه میرمحمد صدیق فرهنگ نوشته است، قرین به واقعیت خواهد بود: «اندکی بعد (رفع حجاب) در ولایات نیز تطبیق گردید، تنها در ولایت قندهار رد عمل شدید بشکل بلوای عام رخ داد که عامل آن علاوه بر تحریک یک بخش از روحانیون، شکایت تجار و بازاریان از مالیات و طرز تحصیل آن بود. چون پولیس از حفظ امنیت عاجز آمد، نیروی نظامی با سلاح جدید بکار انداخته شد و پس از کشته شدن یک تعداد از شورشیان، امنیت دوباره برقرار گردید. هر چند تعداد کشته شدگان اعلام نگرید، اما مشاهدین آنرا در حدود 60 نفر تخمین کردند...». فرهنگ در ادامه می افزاید که: «بصورت عمومی برنامه رفع حجاب با تدبیر درست و کمترین مخالفت در کشور عملی شد و این امر ثابت نمود که مملکت برای اصلاحات اجتماعی آماده بوده اما کامیابی آن پیش از همه به اراده قوی و تدبیر درست و رجال کاردان احتیاج داشت». (فرهنگ، میرمحمد صدیق: "افغانستان در پنج قرن اخیر"، جلد اول و دوم، چاپ جدید از روی نسخه پشاور، 1373، صفحه 470 و 471)

چرا عکس العمل ها کم بود؟

اینکه چرا عکس العمل های کم و ناچیز بود و تنها در یک ولایت آن هم روی دلایل مختلف بعد از سه ماه به ظهور پیوست، سؤالیست که اینک به ذکر مختصر عوامل و انگیزه های آن مخصوصاً به مقایسه شرایط احوال کشور در عصر امانی می پردازم:

1 - انکشاف اقتصادی و توسعه معارف در طول سالهای صدارت محمد داؤد خان بطور عموم بالای طرز فکر و ذهنیت عامه مردم مخصوصاً طبقات شهری تأثیر بارز وارد کرد. ذهنیت مردان شهری و حتی مردان روستائی نیز در قبال انکشاف جامعه طی آن مدت نه تنها آماده قبول چنین تحول گردید، بلکه بعضی ها بر لزوم فوری آن تأکید میکردند. البته بودند در این میان کسانی که نظر نسبتاً محتاطانه تر داشتند.

2 - در مدت دوده تا رفع حجاب تعلیم و تربیه نسوان در زیر چادری نیز انکشاف قابل ملاحظه ملاحظه کرد. زنان تحصیل کرده افغان در آن مدت نشان دادند که آنها کفایت لازم را به امور محوله بیرون از خانه دارند و کارشان در زیر چادری نتایج بسیار مثبت و سودمند را که نمایانگر متانت، شرافت، عفت و اهلیت آنها بود، بار آورد. خدمات شایسته

د پاپو شمیره: له 4 تر 7

افغان جرمن آنالین په درننیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

آنها در زیر چادری یک دوره آزمون بزرگ و فناخت بخش برای مقامات دولتی و رجال حکومتی بود تا هر چه زودتر به این تحول عمده اقدام ورزند.

3 - برعکس دوره امانی، حکومت در این مرحله بر اوضاع کشور کاملاً مسلط و امنیت سرتاسری حکمفرما بود. قوای نظامی تقویه یافته و چانس هر نوع مقاومت را خنثی کرده بود. مردم از شخص داؤد خان وجدیت او در امور آگاه بودند و میدانستند که قیام در برابر دولت شدیداً سرکوب میشود، بنا بر آن برای قیام ضعیف بود.

4 - عمده ترین عامل که در عصر امانی اصلاحات را مواجه به خطر سقوط کرد و قیام مردم را در اطراف و اکناف کشور تحریک و دامن زد، همانا دست دراز خارج یا به عبارت دیگر انگلیس ها بود که تحمل گسترش رژیم آزادی خواه امانی را در منطقه نداشتند، اما در سالهای 60 نه تنها چنین رقیب و محرک تخریبکار وجود نداشت، بلکه سیاست بیطرفی، در آن وقت افغانستان را در موقف مساعد بین رقابت های شرق و غرب قرار داده بود که باید از آن استفاده معقول بعمل می آمد. برهم خوردن روابط با پاکستان آنقدر جدی نبود که با استفاده از این تحول حربی تبلیغاتی آن کشور چنان دسته پیدا کند تا موجب قیام در برابر رفع حجاب گردد. اگر چه مطبوعات رسمی پاکستان تاحدی کوشیدند از این تحول بهره برداری سیاسی کنند ولی اینکار چندان توجه مردم رابه خود معطوف نکرد.

5 - در عصر امانی در های جهان و تمدن غرب تازه بروی افغانستان باز شده بود و فقط عده بسیار کم و انگشت شمار از این تمدن آگاهی داشتند و در صدد ترویج آن بودند، در حالیکه در سالهای 60 این وضع تغییر جدی نمود و تمدن غرب و تجدد گرایی از طرق مختلف به افغانستان و بین کتله های وسیع تر مردم راه پیدا کرده بود. مردم بخصوص در شهر همه با شرایط جدید در جهان آشنا شده و همه خواهان آن پدیده در زندگی خود بودند. توسعه مطبوعات، توریج مجلات خارجی، نمایش فلم ها، سفر های شخصی بیرون کشور، اعزام شاگردان و هیئت های رسمی به خارج همه و همه بر تنوع فکری و ذوقی و همچنان طرز فکر و سطح دانش مردم بخصوص طبقات نخبه شهری تأثیر فراوان داشت و جامعه را برای قبول یک تحول اجتماعی از جمله رفع حجاب و تعمیم معارفنسون در شقوق مختلف و ادعای حقوق مساوی زن و مرد در امور مهمه اجتماعی و سیاسی تشویق مینمود.

6 - افغانستان در سال 1948 عضو سازمان جدید التشکیل ملل متحد شد و بعداً اعلامیه حقوق بشر را پذیرفت و در رعایت مندرجات آن متعهد گردید. در سال 1956 مجمع عمومی ملل متحد پروگرامهای معاونت تخنیکي را در زمینه حقوق بشر توسعه داد و در مورد وظایف مدنی و اشتراک مزید زنان در حیات عامه تدابیری مهم اتخاذ کرد. افغانستان مجبور بود به حیث یک کشور متعهد، باید به حقوق زنان مندرج منشور ملل متحد و اعلامیه حقوق بشر احترام گذارد. بنا بر رفع حجاب به تاسی از این تعهدات یک امر حتمی شمرده میشود.

7 - روابط بین گروپهای قومی و طبقات روحانی- مذهبی، طوریکه در عصر امانی به شکل یک ائتلاف بر علیه حکومت و اصلاحات مربوطه پیوند خورده بود، در طول سالهای صدارت محمد هاشم خان (جمعاً 18 سال) تاحد زیاد از هم پاشید و هردو گروپ خود را به حکم اجبار و یا سازش با حکومت همکار ساختند و حکومت نیز برای آنها امتیازات خاص قائل شد که در نتیجه این دوگروپ از حالت مخالف (اپوزیسیون) به همکار حکومت تبدیل شدند. لذا هیچ گروپ دیگر نبود که در برابر این تحول علم مخالفت را بلند کند.

8 - تحول دیگر در ماهیت مؤسسات تعلیم و تربیه دینی بود، طوریکه با فزایش سریع تعداد مدارس دینی رسمی و گنجاندن تدریس مذهبی در نسل جوان علمای دینی تقویه شد و بعداً با تاسیس فاکولته شرعیات در چوکات پوهنتون کابل و توأمیت آن با "جامع ازهر" مصر جهان بینی جدید اسلامی در اذهان علمای دینی کشور راه یافت که از نگرش عنعنوی دبستان دیوبندی متفاوت بود. 9 - از آنجائیکه همکاری ائتلاف گونه بین دولت و روحانیون ادامه پیدا کرد، روابط قبایل با روحانیون ضعیف تر گردید. قبایل در قیام به مقابل اقدامات دولت دیگر قدرت قبلی را نداشتند و ناگزیر بودند به اجراء دولت ولو مغایر عنعنه و عرف پشتونوالی بود، سراطاعت گذارند.

د پانو شمیره: له 5 تر 7

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
پاډونه: دلپکنی د لیکنيزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

چهار تحول فوری در قبال رفع حجاب (روی لُجی):

رفع حجاب که قدم بقدم در بین افشار مختلف جامعه گسترش یافت، یک اقدام اختیاری بود نه اجباری. لذا این تحول اختیاری نخست در شهر کابل، آن هم در بین خانواده های تحصیل کرده و متجدد شهر راه خود را بسوی انکشاف و تعمیم در بین دیگر افشار شهری باز کرد. این تحول که به سرعت و خوشنودی در طبقات نخبه شهری در پیش گرفته شد، در طبقات عنعنوی شهر بصورت تدریجی پیش رفت. در آن وقت هر خانم و یا دختر که چادری را از خود دور میکرد، نخست بالباس دراز، چادر بزرگ و عنیک های سیاه ظاهر می شد. زنان در سالهای اول برای رعایت و مصلحت عمومی این شیوه و طرز لباس را بدلخواه خود درپیش گرفته بودند و اما به هر اندازه که وضع عادی تر میگردد و مردم با دیدن چهره زنان بیشتر عادت میکردند، طرز لباس و برخورد ها نیز شکل معمولی بخود میگرفت. رفع حجاب تنها به ظاهر شدن زنان بدون چادری محدود نماند، بلکه قدمهای اساسی دیگر را نیز بدنبال داشت که این تحول را بارور و پرثمر ساخت و در یک وقت چهار پدیده جدید را در حیات زنان و دختران کشور باخود به همراه آورد:

1 - دیری نگذشت که تلاش زنان تحصیل کرده و با سواد برای کاریابی بیرون از خانه در محیط مشترک با مردان آغاز شد. با استفاده از ماده 14 قانون اساسی (مقصد قانون اساسی 1309 است که تا سال 1343 نافذ بود) مبنی بر اینکه: "عموم تبعه افغانستان نظر به قابلیت و اهلیت بقدر ضرورت حکومت استخدام میشوند"، مانع قانونی در زمینه استخدام زنان در دوائر حکومتی و مؤسسات عامه و انفرادی وجود نداشت. حکومت نیز علاقمند بود تا برای به ثمر رسانیدن هر چه سریعتر این تحول، به زنان چانس بیشتر کار را در مربوطات دولت بدهد. بدینترتیب زنان افغان برای اولین بار در تاریخ کشور فرصت آنرا یافتند تا در جوار مردان در بیرون منزل بکار و فعالیت پردازند و در این راستا از حقوق مساوی برخوردار شوند.

2 - برای دختران جوان که از لیسه های کابل فارغ شده بودند، باز هم برای اولین بار در سال 1340 (1960) چانس شمول در پوهنتون کابل میسر گردید تا با پسران یکجا در محیط مشترک علمی و دریک صنف در کنار هم به تحصیل پردازند. اگرچه از سال 1327 (1948) به بعد دوفاکولته نسوان (یکی در رشته ادبیات و دیگر در رشته ساینس) در کابل بکار آغاز کرده بودند که تعداد زیاد معلمه های مکاتب نسوان از آنجا موفق به اخذ سند لیسانس گردیدند و خدمات شایان را در زمینه سازی این تحول بعدی انجام دادند، اما محیط تحصیلی آنها در زیر قید چادری بسیار تنگ و ساحات مسلکی شان نیز فقط بدو رشته محدود بود. اکنون با این تحول جدید از یکطرف دختران چانس تحصیل در رشته های مختلف را پیدا کردند و از طرف دیگر در فضای مشترک درسی آموختند که چگونه شخصیت خود را در محیط مردانه به حیث یک زن با وقار و مساوی الحقوق با مردان تبارز دهند. این اولین سنگ تهاداب بزرگ انکشاف بسوی ارتقای سطح دانش زنان در کشور بود که گذاشته شد و در سالهای بعد برپهنای آن افزوده گردید.

3 - دختران نیمه جوان که هنوز در صنوف متوسطه مکتب بودند، نیز از این تحول عمومی بی نصیب نماندند. با تشکیل گروپ خاردوی (سکاوت) دختران در سال 1960 به تعداد بیش از 200 دختر به موافقه والدین در آن ثبت نام کردند و با این ترتیب رفع حجاب تنها ترک چادری نبود، بلکه پدیده های بس مهم دیگر را نیز برای زنان کشور در هر سن و سالی که بودند، باخود به همراه آورد که حرکت این کاروان در سالهای بعدی سرعت بیشتر اختیار کرد.

4 - مساعد شدن شرایط تحصیل برای زنان در خارج کشور نیز یکی دیگر از پدیده های مهم رفع حجاب محسوب میشود. اگرچه قبل از آن چند خانم بصورت خصوصی به اینکار تشبث کرده و منسوبین هیئت های سیاسی افغانستان در خارج نیز ناگزیر به رفع حجاب بودند، اما با این تحول مشکل عمده از میان رفت و لذا در سال 1339 به بعد اعزام زنان و دختران افغان جهت تحصیل به خارج رسماً آغاز گردید، چنانچه در همان سال به تعداد 11 نفر و در سالهای بعدی به تعداد بیشتر به این مقصد با استفاده از سکالرشپها و فیلوشپها به خارج رفتند.

ناگفته نماند که اولین گروپ دختران افغان در سال 1307 در عصر امانی جهت تحصیل در رشته های نرسنگ و قابلگی به ترکیه اعزام شدند که این اقدام حکومت باعکس العمل بسیار شدید عوام به تحریک و تبلیغ علمای محافظه کار دینی و دست های بیرونی مواجه گردید. این بار محافل محافظه کار از ترس داؤد خان زبان به کلام نگشودند، اما بعداً در دوره

د پانوی شمیره: له 6 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

دموکراسی سروصدا بخصوص در پارلمان بلند گردید آنهم بار دیگر به وسیله گروپهای محافظه کار دینی. همچنان با استفاده از این شرایط هیئت های زنان موقع یافتند تا در محافل و کنفرانسهای بین المللی به نمایندگی از زنان افغان اشتراک نمایند.

قدردانی زنان از داؤد خان:

ده سال صدارت داود خان با آنکه توام با تحولات مهم در ساحات مختلف بود که یکی آن همین نهضت دور دوم زنان محسوب میشود. پس از ده سال به دلالتی چند شاه به این فکر شد که وقت آن فرا رسیده تا با آوردن یک سلسله تحولات خودش اداره کشور را بدست گیرد و امور صدارت را به شخصیت های غیر خاندانی محول نماید. البته داؤد خان نیز با توجه به این تغییر کوشید تا در زمینه پیشقدم شود و بناً با تحریر یک نامه در سرطان 1341 عنوانی شاه خواهان تعدیل قانون اساسی و نظام شاهی مشروطه گردید. شاه به این نامه جواب نداد و داؤد خان بتاريخ 19 حوت 1341 از مقام صدارت استعفی داد. سپس شاه داکتر محمد یوسف به حیث صدراعظم دوره انتقالی تا تصویب و انفاذ قانون اساسی جدید به تشکیل کابینه توظیف کرد.

میرمنو تولنه "مؤسسه نسوان" پس از رسمیت استعفی داؤد خان از صدارت به پاس خدماتیکه او در رفع حجاب و نهضت زنان کشور انجام داده بود، طی یک گردهمایی بینظیر در محوطه آن مؤسسه از وی استقبال شایان کرد که در آن تعداد کثیر زنان کابل تجمع نموده و ورود داؤد خان را به آن مؤسسه با حمایل گل و احساسات فوق العاده گرامی داشتند. به یقین گفته میتوانم که همچو محفل پرهیجان در تاریخ کشور تا آن وقت در اجتماع زنان دیده نشده بود. در ختم محفل یک جلد کلام الله مجید با ذکر این شعار که "خدا و همین قرآن پشت و پناهت باشد!" به پاس خدمات او برایش تقدیم کردند. وقتی محفل با پایان رسید و داؤد خان از قدردانی زنان ابراز امتنان کرد، غریب اندوهناک زنان با اشک و گریان چنان در فضا طنین افکند که گوئی محشر برپا شده بود. عده کثیر زنان اطراف او را تنگ حلقه زدند و نمی گذاشتند محل را ترک کند. بهر حال او به مشکل موفق به خروج از آنجا گردید و اما جای خود را در قلب هزارها زن افغان برای همیشه باز نگهداشت. (روح این شهید پاک و خدمتگار وطن و بانی دومین نهضت زنان افغان شاد و بهشت برین جایگاهش بادا - آمین یا رب العالمین) پایان

د پانو شمیره: له 7 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ